

"بسمه تعالی"

بررسی حضور بانوان در مسجد و نماز جماعت براساس آموزه‌های دینی

عسکری اسلام‌پورکریمی

مقدمه

با نگرش به مجموعه تعالیم حیات بخش شریعت اسلام، درمی‌یابیم زن از سرشتی انسانی، همچون مرد، آفریده شده است و همان‌گونه که در آفرینش با مرد یکسان است و سرشتی جداگانه ندارد، در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قله‌های بلند تقوا و فضیلت و کسب ارزش‌های والای الهی و انسانی نیز استعداد‌های سرشاری دارد که حق تعالی در او به ودیعت نهاده است. بانوان به‌عنوان نیمی از پیکر جامعه‌ی انسانی، همانند مردان، در مشارکت عمومی پایگاه و جایگاهی مناسب دارند و نمی‌توان از نقش سازنده‌ی آنان چشم پوشید.

اسلام با حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی مخالف نیست و آن را منع نکرده است؛ بلکه وظیفه‌ی اصلی وی را مادری و تربیت و پرورش انسان‌های بزرگ و وارسته می‌داند؛ البته در کنار آن نیز به آنان اجازه داده است، با حفظ حریم و عفت و پاکدامنی و در پوششی محفوظ از تیر زهرآگین نگاه‌های هوس‌آلود آلوده‌دلان، در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند. تاریخ اسلام سرشار از صحنه‌هایی است که زنان آفریدگار آن بوده‌اند. در این نوشتار برآنیم تا با مطالعه و بررسی آموزه‌های دینی و تاریخ اسلام (شواهد تاریخی) به جواز حضور زنان در مشارکت عمومی و عرصه‌های مختلف اجتماع بپردازیم، مانند حضور در مساجد و دیگر اماکن عبادی. باشد که ابهامات موجود در این باره، در پرتوی آموزه‌های اصیل اسلامی و شواهد تاریخی از صدر اسلام، به‌خوبی بر همگان آشکار گردد.

روایات و حضور بانوان در مسجد

با مطالعه‌ی منابع اصیل روایی اسلام درمی‌یابیم که روایات درباره‌ی حضور بانوان در مسجد بر دو قسم است:

الف) دسته‌ای از روایات مسجد زن را خانه و منزل مسکونی وی دانسته‌اند؛

ب) دسته‌ای از روایات بیانگر جواز حضور بانوان در مسجد است.

اندیشمندان شیعه باتوجه به این دو دسته از روایات و نیز دسته ی دیگری که بیانگر ترغیب و تشویق برفتم آمد به مسجد برای انسان ها - زن و مرد - است^۱، در برابر حضور زنان در مسجد اختلاف نظر دارند. عده‌ای، همچون علامه‌ی حلی، حضور بانوان را در مساجد مکروه دانسته‌اند.^۲ عده‌ی کثیر دیگری از فقها، گرچه حکم به کراهت نداده‌اند، خواندن نماز در خانه را برای زن افضل شمرده‌اند. برخی از فقهای عظام شیعه نه تنها جواز، بلکه استحباب را در حضور زنان در مساجد دانسته‌اند. دلیل این دو دسته برخی آیات و روایات است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

بررسی و پاسخ به دلایل قائلان به افضلیت نماز برای بانوان در خانه

دین مبین اسلام به مسئله‌ی حجاب و عفاف زنان اهمیت بسیار زیادی می‌دهد، جهت حفظ شخصیت و ارزش آن‌ها. خداوند در قرآن به زنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دستورهای خاصی داده است تا ارزش و احترام آنان محفوظ بماند؛ از جمله می‌فرماید: «لَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّوَعْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»^۳، ای زنان پیامبر! شما مانند دیگر زنان نیستید، اگر تقوا پیشه کنید. بنابراین، به نرمی سخن نگوئید تا آن که در قلبش مرض است، طمع ورزد، و به گونه‌ای نیک سخن گوئید و نیز در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...»^۴.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۷، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۹ ه.ق، بیروت داراحیاء التراث العربی و شیخ صدوق، من لا تحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، قم، جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۱۳ ه.ق و متقی هندی، کترالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۸، ص ۶۵۰، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه.ق.

۲. علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۱، ص ۹۰، قم، مؤسسه آل‌بیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ ه.ق.

۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۲

۴. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳

واژه‌ی «قرن» از وقر یقر به معنای استقر، مستقر شدن و برجای ماندن است. سید قطب با توجه به این معنا نوشته است: «قرن تعبیر لطفی است؛ یعنی خانه پایگاه زن است. از این رو، زن به قدر نیاز و حاجت می‌تواند از منزل خارج شود».^۱ در تفسیر «فرقان» نیز آمده است: قرن از قر یقر است و امر آن «اقرن» است. این آیه‌ی شریف زنان را به قرار گرفتن در خانه امر می‌کند و اینکه بدون حاجت از منزل خارج نشوند.^۲ درباره‌ی معنای واژه‌ی «تبرج» در کهن‌ترین متن لغوی، کتاب «العین»، آمده است: آن‌گاه که زن زکای‌های گریبان و چهره را بنمایاند، گفته می‌شود: تبرج کرده است.^۳ فحش‌می نیز جلوه‌گری و عرضه‌ی زیبایی‌ها را مفهوم تبرج دانسته و نوشته است: «تبرجت المرئی یعنی زن زیبایی‌ها و زینت‌هایش را در مقابل نامحرم آشکار سازد».^۴

ناگفته نماند که طرف خطاب خداوند در آیه‌ی مزبور همسران پیامبرند؛ ولی در مورد همه‌ی زنان مسلمان نیز می‌تواند صادق باشد. در آیه‌ی قبل، زنان پیامبر از سخن گفتن هوس‌انگیز و مهیج نهی شده‌اند تا از طمع و آزار بیگانگان ایمن باشند. این آیه بیانگر اهمیت حجاب اسلامی و نهی از خودنمایی است که به زنان مسلمان دستور می‌دهد، همانند زنان عصر جاهلیت نخستین، برای حضور در اجتماع از خودنمایی و خودآرایی بپرهیزند. روشن است مراد محصور و محبوس کردن زن در خانه و بریدن او از اجتماع نیست؛ زیرا مخاطبان آیه، یعنی زنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، به شهادت تاریخ همراه آن حضرت به مسافرت می‌رفتند، در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز آن‌ها را منع نکرده بود.

قرآن کریم در آیه‌ی ۵۹ همین سوره (احزاب) خطاب به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «لَا تُزْوَجِكُ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ عَلَىٰ أَعْيُنِنَا وَالنَّبِيِّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ عَلَىٰ أَعْيُنِنَا مِنْ جَلَاتِكُنَّ ذَلِكَ أَدْرِي أَنْ يَعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِيَنَّ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»، ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان و مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است تا شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.

۱. سید قطب، فی ضلال القرآن، ج ۵، ص ۲۸۵۹، ترجمه‌ی مصطفی خرم دل، تهران، احسان، ۱۳۷۸ ه.ق.

۲. محمد صاقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۱۰۵، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ه.ق.

۳. عبد الرحمن الخلیل بن احمد الفراهیدی، کتاب العین، ج ۶، ص ۱۱۵، طبع الثانیة، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ ه.ق.

۴. الفیومی، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۴۲.

این آیه فلسفه ی پوشش زنان را با تعبیر «ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُحْرِفَنَ فَلَا يُؤْذَىٰ» بیان کرده است؛ یعنی پوشش نزدیک تری راه است تا زنان لبستر و عفاف شناخته شوند، ناهلان و فاسدان آنان را تعقیب و اذیت نکنند، به آن‌ها بی‌احترامی نکنند و نگاه هوس‌آلود و پرتما به آنان نداشته باشند.^۱

زینت زن اگر برای خود و محرمش حفظ شود، پاداشی ارزنده نزد خدا برای وی در نظر گرفته می‌شود. زنان باید بکوشند تا با خویشنداری به آن پاداش دست یابند؛ زیرا خداوند خواسته است تا آنان ارجمند باشند و جایگاه شان برجا باشد. به هر صورت، این دستورات فقط برای همسران و اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیست. وقتی زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) باید در خانه بمانند تا حرمت آنان خدشه‌دار نشود، دیگر زنان هم چنین‌اند. در اینجا، سفارش به ماندن در خانه به دلیل حفظ شیوه اسلامی است.

درباره‌ی شأن نزول این آیه ی شریف آمده است: گروهی از منافقان، اوایل شب که هوا تاریک می‌شد، در کوچه‌ها و معابر مزاحم زنانی می‌شدند که جهت اقامه‌ی نماز به مسجد می‌رفتند. خداوند این آیه‌ی شریف را نازل فرمود و به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دستور داد به همسران و دختران خویش و زنان مؤمن بگوید که بدون جلباب و روسری از خانه خارج نشوند. از این رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر می‌شدند.^۲ همچنین، قائلان به افضلیت نماز برای بانوان در خانه به برخی از احادیث معصومان (علیهم‌السلام) تمسک می‌جویند که بر افضلیت نماز زنان در خانه دلالت دارد.

دسته‌ای از روایات نیز زنان را از رفتن به مسجد بازداشته است. از کتاب‌های روایی و فتاوی‌ای بعضی از فقهای شیعه و سنی نیز استفاده می‌شود که برای زنان نمازخواندن در خانه از نمازخواندن در مسجد بیشتر فضیلت دارد. برای نمونه به برخی از این روایات و فتاواها اشاره می‌کنیم که مضمون همه‌ی آن‌ها یکی است:

۱. فضل حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۷۷، دارالمعرفه، بیروت، داراحیاء التراث العربی و فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۳، ص ۲۳۰، مصر، قاهره، عبدالرحمن محمد، ۱۳۵۷ ه.ق.

۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷۰ و علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶، ج ۳، قم، موسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ ه.ق و عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۷، ج ۴، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ه.ق.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحَدَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ فِي الْجَمْعِ خَمْسًا وَعَشْرِينَ دَرَجَةً»^۱، به تنهایی و در خانه نمازخواندن زن مثل نماز در جمع است، در حالی که ۲۵ درجه فضیلت دارد. ایشان همچنین فرموده‌اند:

إِنْ مَسَاجِدَ النِّسَاءِ الْبُيُوتِ، وَ صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا وَصُفَّتِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صُفَّتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي سَطْحِ بَيْتِهَا^۲،
بهترین مسجد زنان خانه است و نماز در خانه برتر از نماز او در ایوان است و نماز او در ایوان برتر از نمازش در حیاط خانه‌اش است و نماز او در حیاط خانه برتر از نمازش بر پشت‌بام خانه است.

در «نهج الفصاحه» نیز از آن حضرت چینی نقل شده است: «بهترین مسجد زنان کنج خانه ی آن‌هاست»^۳. «نمازی که زن در تاریک‌ترین گوشه‌ی خانه خود کند، از همه ی نمازهای او نزد خدا محبوب‌تر است»^۴.

امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ»^۵، بهترین مساجد برای زنان شما خانه‌هاست. ایشان همچنین فرموده‌اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي مَخْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ»^۶، نماز زن در اطاق عقبی (بستو) برتر از نماز او در اطاق جلویی است و نماز او در اطاق نشیمن برتر از نمازش در خانه‌اش است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امام علی (علیه السلام) فرمودند: «يَا عَلِيُّ! لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ»^۷، ای علی! بر زنان نماز جمعه و جماعت و اذان و اقامه واجب نیست.

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷ و علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه.ق.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۸۸، جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۱۳ ه.ق.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۴۷۴، ح ۱۵۳۲، جاویدان.

۴. همان، ص ۶۹۰، ح ۲۵۸۸.

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷ و من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸ و بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱.

۱۰. همان، ص ۲۳۶ و همان، ص ۳۹۷.

۷. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۱۵.

درباره‌ی این مسئله، از نظر فقهی، در فقه شیعه و سری تقریباً نظریه‌ی واحدی وجود دارد و آن اینکه ادله‌ی وجوب نماز جمعه، چند دسته را استثنا کرده است و یک دسته از آن‌ها زنان هستند. نماز جمعه تکلیفی واجب است که در عهد حضور معصوم واجب تعیینی بود. چند گروه از این حضور معاف بودند؛ لذا این روایات در مقام رفع الزام هستند نه ایجاد ممانعت. به‌دیگرسخن، وجوب نماز جمعه منوط به مذکور بودن است و نه جواز آن. بر همین اساس، فتوای اکثر قریب به اتفاق فقها این است که در صورت حضور، نماز جمعه‌ی زنان صحیح است و کفایت از نماز ظهر آنان می‌کند. حتی برخی از این هم فراتر رفته اند و فرموده‌اند: زنان در صورت عدم حضور، تکلیفی نسبت به نماز جمعه ندارند؛ ولی اگر در جماعت حضور پیدا کردند، بر آن‌ها واجب می‌شود؛ مانند صاحب سرائر^۱ و شهید اول^۲. برخی از علما فتوای فوق را درباره‌ی باقی معذوران، جز زنان، صحیح می‌دانند- مانند بیماران-؛ ولی درباره‌ی زنان صحیح نمی‌دانند. امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز نماز جمعه را برای زنان جایز و مجزی از نماز ظهرشان می‌دانند.^۳

همچنین، در کتاب اهل سنت نیز روایاتی وجود دارد که رجحان نماز در خانه را بر نماز جماعت زنان ثابت می‌کنند. از جمله، این روایت که ابوداود و حاکم نقل کرده‌اند: «صَلَاةَ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الْمَسْجِدِ»؛ نماز زن در خانه‌اش از نماز در مسجد برتر است. البته در کتاب «تحریر المرأة فی عصر الرسالة» در صحت این روایت خدشه وارد شده است.^۴ در کتب فقهی معاصر اهل سنت، خروج زنان برای اقامه‌ی جماعت به این شرط منوط است که راه امن باشد و در مسیر، مردان آن‌ها را آزار ندهند. برخی نیز برای جمع هر دو فضیلت، یعنی جماعت زنان و حضور نداشتن میان مردان، نماز جماعت زنان در خانه را پیشنهاد داده‌اند.^۵ به نظر می‌رسد با وجود روایات فراوانی که در کتب روایی اهل سنت وجود دارد که هم

۱. سلسله‌ی ینایع الفقهیه، ج ۴، ص ۷۱۸.

۲. سلسله‌ی ینایع الفقهیه.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فیمن تجب علیه صلاة الجمعة، ص ۲۳۷، قم، اسماعیلیان.

۴. عبد الحلیم ابوشقه، تحریر المرأة فی عصر الرسالة، ج ۱۳، ص ۲۲۰، کویت، دارالعلم، ۱۴۱۱ ه. ق.

۵. العک، الشیخ، خالد، موسوعة فقه المرأة المسلمة من الكتاب والسنة.

ترغیب پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به شرکت زنان در جماعت را می‌رساند و هم سیره‌ی متشرعان عصر رسالت را بیان می‌کند، منع تنزیهی علمای اهل سنت از شرکت زنان در جماعت کمی عجیب است.

بسیاری از فقهای عظام نیز، با توجه به اهمیت حفظ حجاب، از روایات «منع خروج زنان از خانه» همین معنا (افضلیت نماز در خانه) را استنباط کرده‌اند. در کتاب «روضه المتقین» در شرح روایت امام صادق (علیه السلام) که فرموده است «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ»، آمده است: «لأنها أقرب الی عصمتهن و سترهن»^۱، نماز خواندن زنان در خانه به عصمت و عفاف آنان نزدیک‌تر است. صاحب «مفتاح الکرامه» در جمع‌آوری اقوال در این باره آورده است: آیا رفتن به مسجد فقط برای مردان مشروع است یا برای زنان نیز جایز است؟ در «نهایة الاحکام» و «کشف الالتباس» این امر مختص مردان شمرده شده است، نه زنان؛ زیرا به زنان دستور پوشش و پنهان شدن داده شده است. در «مجمع البرهان» نیز در خبر یونس بن ضبیان آمده است: فضیلت رفتن به مسجد برای مردان ثابت است، نه برای زنان. علامه حلی نیز در «تذکره» می‌نویسد: رفتن زنان به مسجد مکروه است. شهید اول و دوم در «لمعه» و «روضه» می‌گویند: بهتر این است که بگوییم مسجد برای غیر زنان است یا این حکم به طور مطلق جاری است. بنابراین، خانه برای زنان در حکم مسجد است. شهید اول و ثانی نیز در معنای «مسجد المرءة بیتها» گفته‌اند: یعنی نماز خواندن زنان در خانه افضل از رفتن آن‌ها به مسجد است یا به این معنی است که فضیلت نماز زنان در خانه مثل مسجد است و نیازی به رفتن به مسجد نیست. البته، صاحب «مفتاح الکرامه» بعد از نقل اقوال می‌گوید: «کسی که بحث احکام جماعت، اوقات، مبحث حیض، استحاضه و غیر آن‌ها را تتبع کند، برایش روشن می‌شود که اصحاب قائل به شرعیت رفتن زنان به مسجد هستند. بنابراین، سزاوار است در خصوص این موضوع دقت شود»^۲. شهید ثانی نیز در شرح لمعه می‌گوید: «بهتر آن است که بگوییم رفتن به مسجد برای غیر زنان است یا اینکه بگوییم خانه به طور مطلق «مسجد» زن است»^۳.

۱. محمد تقی مجلسی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲. سید محمد جواد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۶ ه.ق.

۳. شهید ثانی، شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، ص ۶۳.

از مجموع روایات گذشته می‌توان این‌گونه استفاده کرد که خواندن نماز در خانه، درمقایسه با مسجد، برای زنان بهتر است. اما با تأمل در این روایات درمی‌یابیم که معمولاً تلاش شده است تا به نحوی به مسئله‌ی حجاب اسلامی اهمیت داده شود و به‌همین دلیل هم به نماز در خانه فضیلت داده شده است.

اسلام با طرح پوشش زن درحقیقت جواز حضور وی در عرصه‌های مختلف اجتماعی را رقم زده است و با دستورات حکیمانه و راهگشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده است، از یک‌سوی این نیروی عظیم را از تباه‌شدن و بی‌هدف در گوشه‌ای ماندن نجات داده است و از سوی دیگر جلوی فسادگری و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط زن و مرد را گرفته است. بنابراین، نبود امنیت در جامعه و اهمیت و لزوم مصونیت زن از هرگونه تجاوز، باعث شده است تا شریعت اسلام به حفظ حجاب و پوشش دستور دهد. اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم بپوشاند یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد. همان‌طور که در زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زلن با حفظ حجاب و پوشش اسلامی به نماز جماعت در مسجد می‌رفتند. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در این باره فرموده است: «اگر (زلن) بتواند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند»^۱. همچنین حضرت آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید: «برای زن‌ها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند؛ ولی اگر خود را از نامحرم به‌خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند»^۲. همچنین، از صاحب «دروس» نقل شده است که فرمود: رفتن به مسجد برای زن مستحب است، مانند مردان، گرچه خانه بهتر است.

باتوجه به مطالب یادشده، اگر کسی بگوید برای زن بهتر است که در خانه نماز بخواند و روایات و آیات و نیز دیدگاه‌های دانشمندان بزرگ اسلامی هم گواه بر این است، دلیل استواری نخواهد بود، زیرا برتری در روایت نمی‌تواند مانعی باشد برای ارزش نمازی که زن می‌تواند در مسجد به دست آورد. اگر خواندن نماز در خانه برای زن سزاوارتر باشد، به‌همین اندازه نیز خواندن نماز در مسجد یا شرکت در دعاها سفارش شده است و اهمیت هر کدام در جای خود محفوظ است. همچنین، به همین مقدار که در روایات به

۱. امام خمینی، رساله‌ی توضیح المسائل، مسئله‌ی ۸۹۳.

۲. آیت‌الله مکارم شیرازی، رساله‌ی توضیح المسائل، مسئله‌ی ۸۱۷.

کراهت رفتن زنان به مساجد اشاره شده است، روایات بسیاری هم وجود دارد که حضور بانوان در مسجد را حائز می‌داند.

در برخی از روایات آمده است وقتی زنان در خواست رفتن به مسجد کردند، منعشان نکنید. در سنن ابوداود، باب «ما جاء فی خروج النساء الی المسجد»، تعدادی از این روایات ذکر شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ»، همسرانتان را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید. در روایتی دیگر نیز از آن حضرت آمده است: هنگام شب به زنان برای رفتن به مساجد اذن دهید. همچنین، آن حضرت می‌فرماید: وقتی زنان از شما اجازه می‌گیرند، آن‌ها را از فیض مسجد بازندارید.^۳ به هر حال، سخن ما بلبعضی از افراد که مخالف حضور اجتماعی زنان هستند و آموزه‌های دینی و قرآن را پشتیبانی برای حبس کردن زن در چهارچوب خانه می‌دانند، این است: آیا به‌راستی آموزه‌های دینی و قرآنی با حضور اجتماعی زنان مخالف است یا این مقوله نیز، همچون بسیاری از موارد دیگر، نظری متحجرانه است که با نام دین در جوامع اسلامی و حتی جوامع غربی شیوع پیدا کرده است؟

قرآن کریم درباره‌ی حضور زنان در اجتماع، مؤمنان راستین را چنین معرفی می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ الَّذِينَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيَبْعَثَ سَائِرَهُمْ فَأَذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرُ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۴، مؤمنان راستین کسانی‌اند که هم از نظر عقیده به خدا و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) معتقدند و هم از نظر درک مسائل اجتماعی و هوش جمعی جامعه را خوب می‌شناسند و در مسائل جمعی حضور دارند. آن‌ها منزوی نیستند و در فعالیت‌های اجتماعی حضور دارند.

۱. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۵۵، ح ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷.

۲. همان، ح ۵۶۸.

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۴. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۶۲.

در این آیه، «امر جامع» همان مسائل جمعی نظام است. این حضور می‌تواند اشکال مختلفی پیدا کند؛ مثل حضور در مسجد برای نماز جماعت و فراگیری احکام و دستورات دینی، انتخابات، نماز جمعه و سایر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که در سرنوشت افراد جامعه تأثیرگذار است که هم شامل مردان می‌شود و هم زنان. ملاحظه می‌کنیم اطلاق آیه به گونه‌ای است که برای زن و مرد (هر دو) قابل اجراست. روایات یادشده نیز، گذشته از خلل در اسناد آن‌ها، از جهت دلالت تأمل‌پذیرند.

خود پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زمینه‌ساز حضور فعال اجتماعی زنان در همه‌ی عرصه‌ها بوده‌اند. آن حضرت زنان خویش را به جهاد می‌بردند و نیز در مواردی که امر دفاع از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) حضور آنان را می‌طلبت و از آن دریغ نمی‌کردند.^۱ در سیره‌ی رفتاری پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با خانواده‌اش آمده است هنگامی که می‌خواستند به مسافرت بروند، میان همسران خود قرعه می‌زدند و هرکدام که قرعه به نامش درمی‌آمد ایشان را در سفر همراهی می‌کرد.^۲ بعضی از اصحاب نیز چنین می‌کردند.^۳

زنان پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) همه از مهاجران بودند.^۴ در هجرت به حبشه ۱۸ زن حضور داشتند^۵ که اسماء بنت عمیس، ام سلمه و رقیه دختر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از جمله‌ی آنان بودند.^۶ میان زنان مهاجر به مدینه فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان (علیه‌السلام)، نیز بود. طبق فوعمایش امام صادق (علیه‌السلام)، وی اولین زنی بود که پیاده از مکه به مدینه به‌سوی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هجرت کرد.^۷ در این هجرت زینب، دختر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)،^۸ و فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)، همسر امیر مؤمنان (علیه‌السلام)، و همچنین دختر دیگر آن حضرت از جمله مهاجران به حساب می‌آیند.

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۸۰، دارالکتب الإسلامیه، بهار ۱۳۶۴ ه.ش.

۲. احمد بن علی الموصلی، معجم ابی‌یعلی، ج ۱، ص ۹۳.

۳. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴۳.

۴. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۰.

۵. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۷، بیروت دارصادر.

۶. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۳۷، دارالجیل، بیروت.

۷. شیخ یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۷، بیروت.

۸. بحوالانوار، ج ۱۹، ص ۳۸۰.

همچنین، می‌توان به حضور فعال زنان در بیعت کردن اشاره کرد که امری کاملاً سیاسی و اجتماعی بود و نکته‌ی جالب اینکه اولین بیعت پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با مسلمانان، به دلیل حضور فعال بانوان، به بیعت النساء معروف شد. در زمان حکومت نبوی، زنان اجازه داشتند نمایندگان خود را به محضر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بفرستند و بدون دخالت مردان مطالبات خود را مطرح کنند. آن‌ها سؤال‌های خود را با پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در میان می‌گذاشتند و پاسخ‌ها را دریافت می‌کردند. برای مثال، ام‌سنان می‌گویی: ما زنان همراه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در نمازهای جمعه و جماعت و اعیاد مختلف شرکت می‌کردیم. به هر حال، رفتن زنان به مساجد برای ادای نماز، در عصر رسالت، امری عادی و مع‌مول بود و این رفت‌وآمد فرصت مناسبی بود تا در مجالس علمی ای حضور یابند که از سوی بزرگان صحابه در مساجد برپا می‌شد. داستان آن زن مشهور است که پیشنهاد عمر را درباره‌ی پایین آوردن میزان مهری‌ها رد کرد و عمر پس از شنیدن دلیل وی رجوع به حق کرد. و این خود دلیلی است که آزادی اندیشه برای مردها و زنها یکسان بوده است.^۱

تقریر و سکوت معصومان (علیهم‌السلام) در عصر بعد از پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، در این خصوص، نیز از وجوه حجّت‌چنین حضور هاست. چنان‌که در زمان امام علی (علیه‌السلام) خانواده‌ی آن حضرت، یعنی دختر پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و نوادگان دختری وی، در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور جدی داشتند. حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) پیشتازترین مخالف سیاسی نظام خلافت سقیفه بودند و بارها با خلیفه‌ی اول محاجّه و او را محکوم کردند. خطبه‌ی ایشان در مسجد ایراد شد و زنان و مردان آن را گوش دادند. هرگز امیرمؤمنان (علیه‌السلام) به حضور ایشان در مسجد و دیگر عرصه‌های اجتماعی اعتراض نداشتند. همچنین، آن حضرت در مقابل تلاش سرطوری ام سلمه - در دفاع از ولایت - و نیز ام الفضل - که در غزوات جمل و صفین کار اطلاعاتی برای ایشان انجام می‌دادند - سکوت کرده‌اند.

صاحب «وسائط الشیعه» روایات گوناگونی را درباره‌ی حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماع گرد آورده است و شرایط و چگونگی شرکت آنان را در مسائل اجتماعی بیان کرده است. وی از مجموع

۱. عبدالرحیم عنیمه، تاریخ دانشگاه‌های اسلامی، ترجمه‌ی دکتر نورالله کسانلی، ص ۳۶۶.

روایات به این نتیجه می‌رسد: «برای زنان رواست که در مجالس عزا، ادای حقوق مردم یا تشییع جنازه از منزل بیرون روند و در این کارها شرکت کنند، همچنان که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و زنان ائمه ی اطهار (علیهم السلام) در آن‌ها شرکت می‌کرده‌اند»^۱.

گذشته از دلایلی که تاکنون بدان استناد شد، روایات زیادی (روایات عام) از ائمه ی معصوم (علیهم السلام) به ما رسیده است مبنی بر اینکه مسجد به همه ی مردم، زن و مرد، تعلق دارد و به گروهی خاص اختصاص ندارد.^۲ افزون بر این‌ها، حضور زنان و مردان در مسجد زنده نگه داشتن شعائر الهی است. چنان‌که ائمه ی اطهار (علیهم السلام) به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن تأکید بسیار داشته‌اند؛ زیرا بزرگداشت شعائر آسمانی و گرامی داشتن آئین دینی نشانه ی دینداری و پابندی به مقدسات آن است.

به فرموده ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)، مسجد خانه ی خدا^۳، انوار الهی^۴، جایگاه پیامبران^۵ و نیز بوستان بهشتی است که بهترین مصادیق شعائر الهی هستند. به فرموده ی قرآن کریم، ارج نهادن به این شعائر نشان‌دهنده ی پرهیزکاری است: «وَمَنْ عَظَّمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۶، و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه ی تقوای دل‌هاست. بر همین اساس، خداوند مانع شدن از یادش در مسجد را ظلم می‌داند: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا...»^۷، چه کسی ظالم‌تر و ستمکارتر از آن‌که از بردن نام خدا در مسجد جلوگیری کند و در خراب کردن آن سعی و کوشش کند.

قائلان به جواز و استحباب حضور بانوان در مسجد

عده‌ای از فقهای عظام شیعه معتقدند نه تنها حضور بانوان در مسجد، مانند دیگر عرصه‌های اجتماعی، (البته با رعایت شئون اسلامی) جائز است، بلکه امری نیکو و مستحب است.^۸ حتی بعضی از فقهای معاصر

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲. کتر العمال، ج ۷، ص ۶۵۰ و میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۹، ۵۵۴، موسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۸ ه.ق.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.

۵. همان، ص ۳۱۳ و ۳۵۹.

۶. سوره ی حج، آیه ی ۳۲.

۷. سوره ی بقره، آیه ی ۱۱۴.

۸. مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۱۵۹ و شهید اول، دروس الشرعیه، ج ۱، ص ۱۵۵، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ه.ق.

می‌فرماید: برای زنان، در صورتی که خود را به‌خوبی از نامحرم حفظ کنند، بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند.^۱

ادله‌ی قائلان به جواز و استحباب حضور زنان در مسجد عموماً و اطلاقات روایاتی است که بیانگر ترغیب و تشویق برفت‌وآمد به مساجد و بهره‌مندی از فضائی مسجد است، قطع نظر از جنسیت. این عده که بیشتر علما را تشکیل می‌دهند برای این مدعای خود به برخی از شواهد تاریخی نیز تمسک نموده‌اند. در منابع روایی اسلام روایات زیادی وجود دارد که همگی بر این امر دلالت می‌کنند که مساجد به همه‌ی مردم، زن و مرد، تعلق دارد. با اندکی دقت در این روایات به‌روشنی درمی‌یابیم که میان مرد و زن هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا واژه‌هایی مانند انسان‌های باتقوا، مؤمن، متقین، اهل مسجد، منع نکردن و... به گروهی خاص اختصاص ندارد و برای عموم مسلمانان است.

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است که فرموده‌اند: هنگامی که دیدید شخصی بر رفت‌وآمد به مسجد مداومت دارد، او را مؤمن بدانید؛ زیرا مسجد خانه‌ی انسانهای باتقوا و صالح است.^۲ همچنین، در روایتی دیگر فرموده‌اند: «المَسْجِدُ دُبُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ»،^۳ مسجد خانه‌ی هر مؤمنی است. آن حضرت در حدیثی دیگر مسجد را خانه‌ی همه‌ی متقیان و پرهیزکاران دانسته‌اند و فرموده‌اند: «إِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ».^۴ امام حسن (علیه‌السلام) نیز فرموده‌اند: «أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُورٌ وَ حَقٌّ عَلَى الْمَزُورِ التَّحَفُّةُ لِزَائِرِهِ»^۵، اهل مسجد زائر خدا هستند و بر صاحب خانه است که بر زائرش هدیه‌ای بدهد. همچنین، روایات متعددی وجود دارد که در آن‌ها واژه‌ی «مَنْ مَشَى» و «مَنْ أَسْرَجَ» آمده است. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «مَنْ

۱. آیت‌الله مکارم شیرازی، رساله‌ی توضیح المسائل، مسئله‌ی ۸۱۷.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۳. کترالعمال، ج ۷، ص ۶۵۰ و مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۹، ۵۵۴.

۴. همان، ص ۶۵۹، ح ۲۰۷۸۵ و نهج الفصاحه، ص ۵۹۶، ح ۳۰۸۳.

۵. سید حسن شیرازی، کلمة الامام الحسن، ص ۴۱، بیروت، دارالصادق، ۱۳۸۸ ه. ق و علیرضا صابری یزدی، الحج کلم الزاهره، ترجمه‌ی محمد رضا انصاری، ص ۱۵۰، زمستان ۷۲، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاةٌ...^۱، کسی که به مسجدی از مساجد خدا برود ، برای هر گامی که برمی دارد تا به منزل برگردد ده حسنه برایش نوشته می شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می یابد.

امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةَ»^۲، هرکس به طرف مسجد برود، پایش را بر هیچ تر و خشکی نمی گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه اش برای او تسبیح می گویند.

امام علی (علیه السلام) در مورد همسایه ی مسجد فرموده اند: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ قَلِيلَةٌ لَهُ وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ مَنْ سَمِعَ النَّبِيَّ دَاءً»^۳، نماز همسایه ی مسجد در خانه نماز کامل و تمام نیست، جز ای که عذری داشته باشد. از امام (علیه السلام) سؤال شد همسایه ی مسجد چه کسی است؟ ایشان فرمودند: کسی که صدای اذان را بشنود.

از این رو، روایاتی که با کلمه ی «من»، «مَنْ مَشَى»، «مَنْ أَسْرَجَ»، «مُتَّقِينَ»، «مُؤْمِنِينَ»، «أَهْلَ الْمَسْجِدِ»، «جَارِ الْمَسْجِدِ» و امثال این واژه ها شروع شده است دلالت بر عموم می کند. روایات دیگری نیز هستند که به طور عام (زن و مرد) رفت و آمد و روشنائی بخشیدن به مسجد و حضور مستمر در آن را تشویق کرده اند.^۴

شواهد تاریخی

علاوه بر روایات، شواهد تاریخی نیز حاکی از حضور زنان در مسجد برای نماز جماعت بوده است، به خصوص نماز صبح و عشاءین در عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله). کعبه اولین خانه ی عبادت انسان هاست - زن و مرد- و عبادت کنندگان را به سوی خود جذب کرد؛ چنان که در آیه ی ۹۶ آل عمران آمده است: «إِنَّ أَوَّلَ نَبِيٍّ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِيَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»، درحقیقت، نخستین خانه ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه ی] هدایت است. مکه و

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۱ و شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۲۹۱، قم، نشر رضی، ج ۲، ۱۳۶۳ ه. ش.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳ و بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۳.

۳. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۹ و نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۸، مصر، دارالمعاف، ۱۳۸۵ ه. ق.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۶ و امالی شیخ طوسی، ص ۱۳۹.

مسجد الحرام کامل‌ترین مصداق مسجد هستند؛ تا آنجا که نماز فرادی در آن از نماز جماعت در خانه بهتر است و در همین مسجد بود که اولین نماز جماعت به امامت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و با حضور بزرگ‌مردی چون امام علی (علیه‌السلام) و بانویی مکرم چون حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) برگزار شد.

آنچه روشن است و از سیره‌ی معاصران عصر رسالت نیز می‌توان دریافت، حضور زنان در مسجد و نماز جماعت مسلمانان است. این نکته از شواهدی چند به دست می‌آید که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

نخستین نمازهای جماعت را پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برگزار کردند که در آن‌ها حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها)، همسر گرامی ایشان، حضور داشتند و مردم نیز این جماعت‌ها را مشاهده می‌کردند.^۱ روایاتی در دست است که درباره‌ی حضور زنان در نمازهای جماعت آشکارا سخن می‌گوید؛ مانند زنان مؤمن نماز را با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به جای می‌آوردند؛ درحالی‌که لباسی به تن داشتند که همه‌ی بدن آن‌ها را می‌پوشاند و این زنان در تاریکی بازشناخته نمی‌شدند.^۲ طبیعی است احادیث نبوی، در شرح ثواب‌های زیاد نماز جماعت در مسجد، به گوش زنان رسیده باشد و آن‌ها را راغب کرده باشد از این ثواب‌ها بی‌بهره نمانند. علاقه‌ی زنان به حضور در مساجد برای اقامه‌ی نماز جماعت و منع شدنشان برای انجام این کار باعث شد تا پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این باره سخنی بگویند که در منابع شیعه و سنی آمده است. ایشان فرموده‌اند هنگامی که زنان برای رفتن به مسجد اجازه خواستند، آنان را منع نکنید. برای نمونه، پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: هرگاه زنان شما اجازه‌ی رفتن به مساجد می‌خواهند، آن‌ها را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و مانع نشوید. همچنین، آمده است که حضرت فرموده‌اند: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ»^۳، کنیزان خدا را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید.

۱. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۰۳، تاریخ طبری، کامل و اعلام الوری و شیخ محسن قرائتی، حج، ص ۷۹-۸۰، نشر مشعر، ۱۳۷۳.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۵، مکتبه‌ی آیه‌الله المرعشی، قم، بی‌تا و ابن جوزی، احکام النساء، ص ۱۹۲.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۵ و ۵۶۶ و شیخ علی نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۰۹، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ه. ق و بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۵۴ و ابن جوزی، احکام النساء، ص ۱۹۵.

لازم به ذکر است به دنبال تأکید پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) مبنی بر عدم منع زنان برای حضور در نماز جماعت مسجد و لزوم اجازه به آنان، بعضی چنین پنداشته بودند که زنان فقط هنگام روز مجازند به مسجد روند و برای نمازهای مغرب و عشاء که با تاریکی (شب) همراه است، زنان نباید برای نماز به مسجد روند. از این رو، جهت مبارزه با این پنداشت غلط، در برخی روایات آمده است هرگاه زنان اذن حضور شب هنگام در مسجد را خواستند، اجازه دهید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در دو بیان جداگانه می‌فرماید: زنان خود را شب هنگام از رفتن به مساجد منع نکنید و چون اذن خواستند اجازه دهید^۱

روایت دیگری که خود دلیل گویایی بر جواز حضور زنان در مسجد است، سیره ی خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ چنان که ابن عباس درباره‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عملکردشان چنین می‌گویند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دختران و زنان خود را برای اقامه‌ی جماعت در نمازهای عیدین به خارج خانه می‌بردند.^۲

امام علی (علیه السلام) درباره‌ی حضور زنان در نماز جماعت مسجد، در روزهای آغازین رسالت نبوی (صلی الله علیه و آله)، چنین می‌فرماید: «كُنَّ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) فَكُنَّ يُؤْمِرْنَ أَنْ لَا يَرْفَعْنَ رُؤُسَهُنَّ قَبْلَ الرِّجَالِ الضِّيقِ الْأُزْرِ»^۳، زنان در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نماز را با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به جای می‌آوردند. به زنان دستور داده شده بود قبل از مردان سر از سجده بردارند؛ چون لباس مردان کوتاه بود.

در بعضی از روایات، حضور زنان به روشنی ذکر شده است. امام صادق (علیه السلام) از پدر گرامی‌اش نقل می‌کند که فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) يَسْمَعُ صَوْتَ الصَّبِيِّ وَهُوَ يَبْكِي وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ أَنْ تَعْبُرَ أُمَّهُ»^۴، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگام خواندن نماز جماعت صدای گریه ی طفلی را شنید که مادرش او را با خود به مسجد آورده بود. آن حضرت نماز را کوتاه کرد تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود. در روایت دیگری نیز آمده است: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نماز صبح را با کوتاه‌ترین سوره خواند.

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲ و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۲. ابن جوزی، احکام النساء، ص ۲۰۱؛ البته در منابع شیعه و اهل سنت روایاتی هم وجود دارد که مفادش ترجیح خروج زنان برای نماز عید است، در صورتی که زن مسن باشد.

۳. همان، ج ۵، ص ۴۱۳ و من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۶ و صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۰ و نور الدین هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۲، ص ۷۴، بیروت، دار لکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه.ق.

اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله)! چه اتفاقی افتاده که نماز را سریع تمام کردید؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «إِنِّي سَمِعْتُ صَوْتَ صَبِيٍّ فِي صَفِّ النِّسَاءِ»^۱، من صدای طفلی را در صف زنان شنیدم. در منابع اهل سنت نقل شده است: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نماز صبح را در تاریکی می خواندند و زنان مؤمن پس از نماز، در همان تاریکی، به منزل بر می گشتند و به دلیل تاریکی دیگران آن ها را و حتی خودشان همدیگر را نمی شناختند.^۲ در روایت دیگری می خوانیم:

زنی قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجدالنبی حاضر می شد، عمر بن خطاب از او خواستگاری کرد، وی به این شرط که او را از نماز جماعت در مسجد منع نکند پذیرفت با عمر ازدواج کند، عمر نیز با نارضایتی پذیرفت. بعد از مرگ عمر، وقتی زبیر از او خواستگاری کرد، باز همین شرط را مطرح نمود، زبیر هم به ناچار پذیرفت و او به نماز جماعت مسجد می رفت...^۳

همچنین، در منابع اصیل اهل سنت آمده است که فاطمه بنت قیس می گوید:

... فلما انقضت عدتی سمعت نداء المنادی ینادی الصلاة جامعة فانطلقت فیمن انطلق من الناس فکنت فی الصف المقدم من النساء و هو یلی المؤخر من الرجال^۴، چون زمان عده ام سپری شد، صدای منادی نماز جمعه را شنیدم و همراه دیگر مردمان که می رفتند روانه شدم و در صف اول صفوف زنان که به دنبال صفوف مردان بود ایستادم.

در زمان خلیفه ی دوم (عمر) زنان به امامت «سلیمان بن ابی خثیمه» انصاری در رحبه ی مسجد نماز جماعت می خواندند؛ چنان که مردان به امامت «ابی کعب» نماز جماعت برگزار می کردند. همچنین، در تاریخ آمده است: خلیفه ی سوم (عثمان) مردان و زنان را در نماز جماعت مسجد در یک جا جمع کرد؛ ولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زمان خلافتش دوباره زنان را از مردان جدا کرد و شخصی به نام «عرفجه» با زنان

۱. المسند الجامع، ج ۶، ص ۲۲۷.

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱.

۳. ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۵، ص ۱۸۵، تهران، انتشارات اسماعیلیان و الامام احمد حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۴۰، بیروت، دارالفکر.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲ و ۳۳ و صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۳۹ و ج ۳، ص ۱۱۹.

نماز می‌خواند.^۱ پس حتی در برخی از منابع اهل سنت نیز روایات و شواهدی وجود دارد که بیانگر حضور زنان در مسجد و جماعات است. با توجه به مطالب یادشده به خوبی درمی‌یابیم که حضور زنان در مسجد و جماعت‌ها، از نظر تاریخی، امری ثابت و مسلم است.

علاوه بر روایات و شواهد تاریخی که بر جواز حضور زنان در مسجد و جماعات دلالت دارند، فقهای عظام حضور بانوان را، همچون مردان، در مسجد الحرام و مراسم عبادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی، همچون نماز جمعه^۲، اعتکاف و حج^۳ جایز شمرده‌اند. بنابراین، دین اسلام نه تنها حضور بانوان را در مسجد و جماعات و به طور کلی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و عهده داری سمت‌های مدیریتی و حتی نظامی جایز شمرده است، بلکه در برخی زمینه‌های یادشده، به ویژه در موقعیت ویژه کنونی، شایسته و حتی بایسته دانسته است. البته، حضور در صحنه‌های اجتماعی، از آنجاکه با برخوردها و نقاس‌های چندسویه مواجه است، برای زن و مرد تکلیف‌هایی را ایجاب می‌کند که مراعات و توجه به آن‌ها در تأمین سلامت اخلاقی جامعه، ثمربخش بودن حضور و دورماندن از آسیب‌ها و آفات نقش بنیادی دارد؛ همچون رعایت حجاب و شرفین اسلامی، چگونگی روبه‌رو شدن با نامحرم و نگاه به او، کیفیت سخن گفتن و تأکید بر وجود شاخصه‌هایی چون حیا و عفت. بنابراین، چنانچه زنان بتوانند حجاب اسلامی، شئون زن مسلمان، عفاف و پاکدامنی را رعایت کنند، می‌توانند با حضور در مساجد از فضائل و آثار معنوی این مکان مقدس بهره‌برند و فضیلت نمازخواندن در مسجد برای آنان همچون مردان است.

شروط حضور بانوان در مسجد

به طور کلی، در شریعت اسلام برای حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماع، مانند مساجد و جماعات، دستور‌هایی ارائه شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- رعایت عفت، حجاب و شئون اسلامی

۱. الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۷-۲۶.
۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۲۶۸-۲۷۰، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا و فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۴، ص ۲۷۹-۲۸۰، قم، مکتبه آیه الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۵ ه.ق.
۳. مهدی نراقی، مستندالشیعه، ج ۱، ص ۵۴۶، آل البیت، قم، ۱۴۱۵ ه.ق و جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۸۴ و ۲۱۲ و ۲۲۰.

از روایات بسیاری که درباره‌ی وظایف و چگونگی روابط اجتماعی زنان از حضرات معصوم (علیهم السلام) صادر شده است به خوبی استفاده می‌شود که یکی از مسائلی مهمی که زنان هنگام حضور در صحنه‌های اجتماعی باید رعایت کنند، حفظ حجاب و عفت و به‌طور کلی حفظ جامعه از فساد، فحشا و منکرات است. قرآن کریم می‌فرماید: «بزنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خویش را - جز آن مقدار که قهراً نمایان می‌شود- بر بیگانه آشکار نسازند، جز برای شوهران و گوشه‌های روسری خویش را بر سینه افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)»^۱.

آیه‌ی شریف بیانگر این است که مسلمانان، مرد و زن، باید از چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود اجتناب کنند و شخصی پاکدامن و منزّه باشنند. این آیه نه تنها زنان را به نحوه‌ی رفتارشان آشنا می‌کند، بلکه مردان را نیز به وظایفی که در روبه‌روی با بانوان دارند آگاه می‌کند. قرآن کریم از اهل ایمان می‌خواهد برای حفظ عفت و پاکدامنی خود و جامعه نگاهشان را مهار کنند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»^۲، به مردان باایمان بگو دیده‌ی فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است. شایان ذکر است آنچه گفته شده است ویژه‌ی نگاه مرد به زن نیست، بلکه نگاه معنادار (حرام) زن به مرد نیز همین آثار را در پی دارد. دلیل اینکه در آموزه‌های دینی تأکید بیشتری بر حجاب و پوشش زنان شده است زمینه‌ی بیشتر آنان برای خودنمایی است.

پس زنان باید پوششی مناسب داشته باشند، آرایش و زیور خود را آشکار نکنند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند. بنابراین، پوشش اسلامی برای زنان در همه حال امری واجب است و باید به دستور قرآن و حضرات معصومان (علیهم السلام) رفتار کنند. اصولاً زیبایی انسان‌ها، به‌ویژه زنان، برای خود آنان یا شوهرانشان است و اگر در رفت‌وآمدها به نمایش درآید، موجب خشم خدا می‌شود و کارهایی هم

۱. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۰

۲. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۱

که سبب جلب توجه نامحرم می‌گردد پسندیده نیست. اگر نحوه‌ی راه‌رفتن یا سخن گفتن توجه دیگران را جلب کند، سبب می‌شود فضیلت‌های رفتن به مسجد به گناه تبدیل شود و گاه ممکن است با بی‌توجهی، به‌جای خشنودی خداوند، خشم خداوند برای او ثبت شود.

۲- عطر نزدن و تزئین نکردن

در منابع اسلامی، برای حفظ حرمت مسجد آدابی ذکر شده است که رعایت آن‌ها مستحب است و ترک آن‌ها با جایگاه مساجد منافات دارد. یکی از آن آداب زینت کردن هنگام رفتن به مسجد است: «طَيِّبْ بَرِّيْ أَدَمَ خُدُوْا زَيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱، ای فرزند آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشق باشید. در دیگر روایات نیز استفاده از بوی خوش از اخلاق پیامبران و سیره‌ی آنان شمرده شده است و تأکید شده است که مردان نباید از استعمال بوی خوش غافل باشند. صاحب کتاب «عروه» می‌گوید: «مستحب است به هنگام رفتن به مسجد از بوی خوش و لباس‌های تازه استفاده کند»^۲. در سیره‌ی امام حسن (علیه السلام) آمده است که وقتی به نماز بر می‌خواست، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید. علت را پرسیدند و آن حضرت (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي»^۳ و در ادامه فرمودند: «بِأَبْنِي أَدَمَ خُدُوْا زَيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ».

اما همین امر مستحب که آن‌قدر بر آن تأکید شده است در مورد زنان روا نیست؛ زیرا نتوبین (آرایش) زنان باید برای شوهرانشان باشد و بیرون از خانه سبب تحریک دیگران می‌شود که از نظر شرع مقدس ممنوع است. براین اساس، در منابع روایی اسلام تأکید شده است که حضور زنان در مسجد باید بدون استفاده از عطر و بوی خوش باشد؛ چنان‌که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: زنان هنگام حضور در مسجد از بوی خوش استفاده نکنند.^۴

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

۲. عروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۲۶.

۳. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۲۱.

۴. محی الدین بن شرف النووی، المجموع، ج ۴، ص ۱۹۹، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ه.ق و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرموده‌اند: «اگر زنی خود را معطر کند و برگ روی (مردانی) بگذرد که بوی او را دریابند، زنا کار است.»^۱ در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است: «هرگاه زنی برای غیر شوهرش خود را معطر نماید، سپس از خانه‌اش بیرون رود، تا زمانی که به منزلش برمی‌گردد، مورد لعنت خداوند است.»^۲ بر این اساس، آن حضرت درباره‌ی شرط خروج بانوان از منزل و حضور در مسجد می‌فرماید: «هنگامی که یکی از شما (زنان) قصد مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده نماید.»^۳ ایشان در این باره فرموده‌اند: «حکایت زنی که دامن‌کشان و آمیخته به زینت در بیرون خانه راه می‌رود، چون ظلمتی است در روز قیامت که نور ندارد.»^۴

دلیل چنین سخنانی این است که شریعت اسلام برای عفت و پاک‌زیستی اهمیت زیادی قائل است و هرگز از بی‌عفتی و بدحجابی که مقدمه‌ی ارتکاب امری حرام و فرورفتن در محرمات جنسی است چشم‌پوشی نمی‌کند. بنابراین، این سخنان درباره‌ی حضور زنان در مسجد است؛ زیرا در انظار مردان محرم قرار می‌گیرند و معطر بودن آنان موجب التهاب مردان و تحریک غریزه‌ی جنسی آنان می‌شود. در این حالت، عبادتی که باید سازنده باشد و آثار مفیدی برای پاکی و پرهیزگاری داشته باشد، منشأ گناه و ارتکاب حرام می‌شود. برای اینکه از چنین پیامدهای ناسالمی جلوگیری شود، اسلام دستور داده است زنان بدون زینت و خوشبوئی به مسجد بروند. افزون‌بر این، ممکن است عطرزدن و تزئین زنان برای رفتن به مسجد باعث شود در مسیر مورد آزار و اذیت افراد هرزه و بی‌بندوبار قرار گیرند. از این رو، ضرورت ایجاب می‌کند که حضور زنان خداجو برای عبادت در بهترین مکان‌ها بدون زینت و خوشبوئی باشد؛ زیرا این کار به تقوی و پاک‌زیستی نزدیک‌تر است.

دلیل اینکه گفته شده است زنان از بوی خوش استفاده نکنند یا خود را نهاریند این است که اسباب وسوسه‌ی نامحرمان و مورد ملعبه‌ی بیماردلان قرار نگیرند؛ ولی اگر در مکانی فقط زنان باشند یا مسجدی

۱. نهج الفصاحه، ص ۳۴، ح ۱۷۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴.

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

۴. نهج الفصاحه، ص ۵۶۲، ح ۲۷۲.

فقط برای زنان باشد و راه رفت و آمدشان ویژه‌ی زنان باشد، روشن است که کسی آن را ناروا نخواهد دانست یا اگر زن در خانه فقط برای خرسندی شوهرش خود را بیاراید، نه تنها منعی ندارد، بلکه مستحب است. چنان‌که فقها گفته‌اند: «...استعمال بوی خوش، پوشیدن لباس‌های زیبا و اظهار زیور (برای شوهر) ظاهراً از مستحبات مؤکد است»^۱.

3- اجازه‌ی شوهر

براساس اصل برائت و اباحتی اعمال و در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان‌ها، خروج زن از منزل برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و معاشرت وی، بدون آنکه مقارن با مفسده‌ای باشد، باید عملی روا و جائز تلقی شود؛ اما با توجه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به خصوص تمکین او در برابر استمتاع شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حق زن با اشکالات و ابهاماتی مواجه شده است. در ادامه به اختصار این مسئله را شرح می‌دهیم.

در منابع روایی اصیل اسلامی، احادیث و روایات متعددی بر این مطلب تصریح دارد و فقهای عظام

نیز بدان فتوا داده‌اند. جهت اختصار، به ذکر چند روایت بنیادین نمونه بسنده می‌کنیم:

- ۱- علی بن جعفر می‌گوید: «سألته عن المرأة لها ان تخرج بغير اذن زوجها؟ قال (عليه السلام): لا...»^۲ از برادرم، موسی بن جعفر (ع) پرسیدم: آیا زن می‌تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ حضرت فرمودند: خیر.
- ۲- امام صادق (ع) فرمودند: هر زنی که بدون اذن شوهر از خانه خارج شود، حق نفقه ندارد تا برگردد،^۳
- ۳- در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: «زنی نزد پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر چیست؟ حضرت فرمودند: بیش از آن است که تصور شود. گفت: برخی از آن را

۱. یوسف بن احمد بحرانی، حدائق الناضرة، ج ۲۳، ص ۱۱۹، قم، موسسه النشر الاسلامی، بی تا.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۳، ح ۵.

۳. همان، ص ۵۲۴، باب ۲۴، ح ۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۰، باب ۶، ح ۱.

بیان فرما. حضرت (صلی الله علیه و آله) فرمود: زن نمی‌تواند بدون اذن شوهر روزی مستحبی بگیرد و نمی‌تواند بدون اذن از خانه خارج شود...»^۱.

در فقه پویای امامیه، نظریه‌ی مشهور فقهای عظام بر این است که زن، برای خروج از منزل شوهر، لازم است رضایت شوهر را جلب کند. فقهای عظام شوهر را محق می‌دانند که زن را از بیرون رفتن منع کند. جهت تبیین مطلب به کلام برخی از فقیهان اشاره می‌کنیم:

شیخ طوسی (رحمه الله علیه) فرمود:

مرد حق دارد زن را از بیرون رفتن منع کند؛ زیرا شوهر در تمام شبانه روز مستحق استمتاع و بهره‌وری از زن است و چون این حق را دارد، می‌تواند از همراهی جنازه‌ی پدر، مادر و فرزندش جلوگیری کند و ... ؛ زیرا اطاعت شوهر واجب است و حضور در این مراسم مباح است یا استحباب دارد و امر واجب (امر شوهر) بر آن‌ها مقدم است.^۲

همچنین، شهید ثانی (رحمه الله علیه) در «مسالک الافهام» می‌نویسد: «از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود؛ حتی اگر برای دیدن بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از اقوامش باشد»^۳. مرحوم محمد باقر سبزواری^۴ و مرحوم صاحب جواهر^۵ نیز چنین عقیده‌ای داشته‌اند.

همچنین، امام خمینی (رحمه الله علیه) در «تحریر الوسیله» فرموده است:

هر یک از زن و شوهر حقی بر دیگری دارد که باید بدان قیام کند؛ گرچه حق شوهر عظیم‌تر است؛ از جمله حقوق مرد آن است که زن از وی اطاعت کرده و نا فرمانی ننماید، از خانه‌اش بدون اجازه‌ی او خارج نشود، اگرچه برای ملاقات یا عیادت پدر و بستگانش؛ حتی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکنند.^۶

۱. همان، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۲، ح ۲.

۲. محمد بن حسن الطوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، ص ۳۳۱، تهران، مکتبه مرتضویه، ۱۳۸۸ ه.ق.

۳. شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح الشرائع الاسلامیة، مؤسسه الم‌عارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۸، ص ۳۰۸.

۴. محمد باقر سبزواری، کفایة الاحکام، ص ۱۸۶، اصفهان، مدرسه‌ی مهدوی، بی‌تا.

۵. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۶.

۶. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳.

آیت ... خوئی (رحمه الله علیه) نیز در این باره فرمود:

زن نمی‌تواند بدون اذن شوهر از خانه بیرون رود؛ در صورتی که بیرون رفتن وی با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد؛ البته احتیاط مستحب آن است که مطلقاً بدون اذن نرود. خروج بدون اذن، سبب نشوز است. انجام سالی کارها بدون اذن شوهر بر زن حرام نیست؛ مگر اینکه با حق استمتاع شوهر منافی باشد.^۱

بعضی از حقوق دانان نیز با تأثیر از چنین باور غالبی گفته‌اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج از خانه به هر منظور که باشد باید با موافقت شوهر انجام پذیرد».^۲ به‌رحال، مبانی این باور می‌تواند از یک سو اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد^۳ و از سوی دیگر می‌توان اساس این نظریه را بر این ادعا قرار داد که حق کامجویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی‌کند. از این رو، زن باید برای خروج از منزل که زمینه‌ی بهره‌جویی مرد را از میان می‌برد، اجازه بگیرد.^۴ البته، در اثبات این نظریه برخی به آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب استناد کرده‌اند: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^۵، و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید.

با ملاحظه‌ی مطالب ذکر شده درمی‌یابیم که نظریه‌ی «منع خروج زن از منزل بدون اذن شوهر» هم از جهت ادله و هم از جهت قائل و جاهت به ظاهر مناسبی دارد؛ اما با این وجود جمعی از فقها و اندیشمندان به مخالفت با این نظریه و رد مبانی آن اهتمام ورزیده‌اند و حق منع شوهر برای خروج زن را به حق کامجویی وی مربوط دانسته‌اند که حق مسلم و اصلی شوهر در زندگی خانوادگی است.^۶ آیت ... خوئی (رحمه الله علیه) نیز

۱. سید ابوالقاسم موسوی خوئی، منهاج الصالحین (المعاملات)، ج ۲، ص ۲۸۹، قم، نشر مدینه العلم، ج ۲۸، ۱۴۱۰ ه.ق.

۲. سید علی حائری (شاهباغ)، شرح قانون مدنی ایران، ص ۹۶۴، تهران، کتابخانه‌ی گنج دانش، ۱۳۷۹ ه.ش و سید مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، ص ۳۱۶، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۲ ه.ش.

۳. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۴۷.

۴. همان، ج ۱۷، ص ۳۳۳.

۵. علی مشکینی، الزواج فی اسلام، ص ۲۲۶، قم، نشر مؤلف، بی تا.

۶. شمس الدین، محمد مهدی، مسائل حرجه فی فقه المرأة - حقوق الزوجه، بیروت، موسسه الدوله للدراسات و النشر، ۱۹۹۶ م و علامه سید محمد حسین فضل الله، تأملات اسلامیه حول المرأة، ص ۱۱۲، بیروت، دارالملاک، ۱۴۲۱ ه.ق.

به رغم آنکه درنهایت، از باب احتیاط، مطابق نظر مشهور فتوا داده است، خروج زن از منزل را از توابع حق استمتاع شوهر دانسته است.^۱

به نظر اینجانب، با توجه به در نظر گرفتن اصل اولی و اباحه ی اعمال، ملاحظه ی نظام حقوق و تکالیف متقابل ناشی از زندگی خانوادگی زناشویی و با بررسی و امعان نظر در ادله ی قول مشهور، دیدگاه اخیر ارجح تر است. اما درباره ی استناد به آیه ی ۳۳ احزاب باید گفت که این آیه ی شریف خطاب به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اصولاً در مقام سفارش به حفظ عفت و حجاب نازل شده است و به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگر زنان مؤمن دستور می دهد در خانه های خود بمانند و همچون جاهلیت نخستین ظاهر نشوند و خودنمایی نکنند؛ زیرا واژه ی «تبرج» در این آیه به معنای خودنمایی، خودآرایی و نمودن زکامی ها در برابر دیگران است.^۲ در نتیجه، روشن است که این آیه به ممنوعیت خروج زن از منزل، بدون اذن شوهر، هیچ ارتباطی ندارد.

نکته ی شایان توجه درباره ی روایات این است که آن ها در مقام منع خروج زنی سخن گفته اند که از انجام وظیفه اش سرباز زده باشد و با بی اعتنائی به حق مسلم شوهر (حق استمتاع) خانه و خانواده را رها کرده باشد. بدین سان، روایات ذکر شده هیچ گونه منافاتی با بیرون رفتن متعارف و معقول بانوی خانه، به گونه ای که با حقوق شوهر موافق باشد، ندارد. ناگفته نماند منع خروج زن از منزل فقط در صورت منافات با حق استمتاع شوهر نیست؛ بلکه معیار مهم دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه فقهای عظام واقع شده است. این معیار که در مورد رفت و آمدها و معاشرت های زن بسیار تعیین کننده است، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت وی در خانواده است. به دلیل ریاست شوهر، مقام سرپرستی او در خانواده و مسئولیتی که برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن دارد، این اختیار را پیدا می کند که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، معاشرت ها و رفت و آمدهای زن را تحت نظارت خویش قرار دهد و حتی در صورت اقتضای اوضاع و احوال محیطی و... محدودیت هایی را برای وی

۱. منهاج الصالحین، ص ۲۸۹.

۲. محمد بن مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، ص ۴۱۷ و ۴۱۸، بیروت، المکتبه الحیاء.

در نظر بگیرد. پس شوهر، در جایگاه رئیس خانواده، می‌تواند با تشخیص مصلحت و صلاح دید رفت‌وآمد و معاشرت‌های همسرش، حتی رفتن او به مسجد، را محدود کند؛ مثلاً در مواقعی که خوف تعرض یا اختلاط‌های ناشایست و معاشرت‌های بی‌بندوبار می‌رود یا زمانی که شوهر بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می‌بیند. البته، در مواردی که منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. نیای مثال، هنگامی که زن برای استیغای حقوق قانونی خویش، مانند شرکت در انتخابات و اقامه‌ی دعوی در دادگاه و ... انجام فرایض دینی (انجام حج، ادای خمس و ...) یا عیادت و مراقبت از والدین خود از منزل خارج می‌شود، نیازی به موافقت شوهر ندارد و او نیز نمی‌تواند مانع شود.

۴- عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

بدون شک، یکی از عوامل شیوع فساد که دامن‌گیر جهان امروز، به‌ویژه کشورهای غربی شده است، برداشتن حایل و حریم میان زن و مرد در اداره‌ها، کارخانه‌ها و دیگر اماکن و محافل عمومی است. به‌طور معمول، در این برخوردها بذر فساد و گناه افشانده می‌شود و روزبه‌روز ریشه می‌دواند. قرآن کریم نیز بر این مطلب تأکید و رزیده است. به این آیات الهی به دقت بنگریم: «...وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...»^۱، هرگاه از ایشان (زنان پیامبر) چیزی خواستید، از پشت پرده و حائل طلب نمایید.

صراحت این آیه در عدم اختلاط زنان و مردان انکارناپذیر است. گرچه شأن نزول این آیه ویژه‌ی زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است؛ اما روشن است که مفهوم آیه همه‌ی زنان را در بر می‌گیرد و به اصلاح علمی «مورد نمی‌تواند مخصص باشد». بنابراین، این آیه در منع اختلاط زن و مرد و حفظ زنان از محرکات شهوانی وارد شده است. علامه شهید مطهری در تفسیر این آیه می‌نویسد: «... طبق این دستور، مرد نباید وارد جایگاه زنان شود، بلکه اگر چیزی می‌خواهد و مورد احتیاج اوست باید از پشت دیوار (حائل) صدا بزند...». همچنین، این متفکر اسلامی درباره‌ی زیان‌های اختلاط در عصر ارتباطات و دهکده‌ی جهانی می‌نویسد:

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۳

جامعه‌ی امروزی زطن‌های اختلاط زن و مرد را به چشم خود می‌بندد؛ چه لزومی دارد که زنان فعالیت‌های اجتماعی خویش را به اصطلاح دوشادوش مردان انجام دهند؟! آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند، نقصی در فعالیت کاری آنان رخ می‌دهد؟ ازجمله اثر بارز این دوشادوشی‌ها این است که هر دو همدوش را از کار و فعالیت مثبت باز می‌دارد و هر یک را به‌جای توجه و دقت به کار خود، متوجه «همدوش» می‌کند؛ تا آنجا که غالباً این همدوشی‌ها به هم آغوشی‌ها منتهی می‌گردد.^۱

شریعت اسلام در عین اینکه به زنان اجازه‌ی شرکت در مسجد و فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی را می‌دهد، اختلاط را نهی کرده است تا مبادا روزی بستر آلودگی‌های اخلاقی فراهم آید. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «میان مردان و زنان نامحرم فاصله اندازید؛ زیرا بر اثر ملاقات و اختلاط گرفتار درد و بلایی می‌شوید که دوا ندارد. بر شما باد که از اختلاط با زنان اجتناب نمایید».^۲ بر همین اساس، آن حضرت در زمان رسالتش، برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد در مسجد، دستور دادند برای زنان در جداگانه‌ای بیای مسجدالنبی بسازند^۳ که هنوز هم به نام «باب النساء» وجود دارد. در روایت آمده است روزی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیرون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آیند، حضرت خطاب به زنان فرمودند: «بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما».^۴

آثار و برکات حضور بانوان در مسجد

مسجد خانه‌ی خدا در زمین، مرکز وحی، منبع فیوضات م‌غوی و برکات گوناگون برای نمازگزاران و جامعه‌ی اسلامی است. حضور در مکانی که چنین جایگاهی نزد خداوند دارد، آثار فراوانی خواهد داشت و بی‌تردید شامل حال مکلفان و حاضران در مسجد، زن و مرد، خواهد بود. آثار حضور در مسجد چنان متنوع است که به سختی می‌توان درباره‌ی همه‌ی آثار و برکات آن سخن گفت. روشن است که در عصر

۱. استاد شهید مرتضی مطهری، مسئله‌ی حجاب، ص ۲۳۷.

۲. مرآت النساء، ص ۱۴۰.

۳. سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹.

۴. همان، ج ۲، ص ۵۳۳.

کنونی حضور زنان، به مثابه‌ی نیمی از پیکره‌ی اجتماع، در مسجد و مراسم آن با حجاب و ش‌ع‌ن اسلامی آثار و برکات فراوانی دارد. در ادامه به مهم‌ترین ثمرات این حضور روحانی اشاره می‌کنیم:

۱- آثار عبادی

یکی از ارکان اساسی ادیان الهی، به‌ویژه شریعت حیاتبخش اسلام، عبادت است. عبادت یعنی رازونیزکردن با خداوند و نجواگفتن با او. جوهر و جان این نیایش حضور قلب و توجه به خداست. اسلام با درنظرگرفتن مکانی به نام مسجد و قراردادن مقرراتی ویژه برای آن، درحقیقت مکاری مناسب برای نماز و ارتباط بندگن با خداوند پیش‌بینی کرده است. نام مسجد گواه درستی این سخن است. مسجد یعنی جای سجده و کرنش در پیشگاه خداوند. مسجد اساساً و نخست برای ایجاد ارتباط بین بنده و معبود و اعلام بندگی و عبودیت بنده بنا شده است. براین‌اساس، اص‌ل‌ترین اثر حضور در مسجد بعد عبادی خواهد بود: «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^۱، [هنگام عبادت] در هر مسجدی به‌سوی او توجه کنید و او را بخوانید و دین [خود] را برای او خالص کنید. همچنان‌که در آغاز شما را آفرید، بار دیگر در رستاخیز بازمی‌گردید.

باتوجه‌به این روایات و آیات، یکی از آثار حضور و شرکت بانوان در مساجد استفاده و بهره‌وری از اعمال عبادی در این مکان مقدس است. اگر بانوان، با رعایت شرایط ذکرشده، به این مکان الهی وارد شوند، می‌توانند اجر و پاداش عبادت‌کنندگان واقعی را در مسجد به‌دست آورند. ولی، حضور ناسالم زنان در مساجد و صحنه‌های دیگر اجتماعی، نه‌تنها ستایش نشده بلکه نکوهش نیز شده است.

۲- آثار علمی

تحصیل علم و دانش یکی از جنبه‌های حضور زن در جامعه است. این امر آن‌قدر اهمیت و ارزش دارد که اسلام به‌همان‌اندازه که کسب علم و دانش را بر مردان واجب می‌داند، زنان را نیز به تحصیل علم فرمان داده است و آن‌ها را از گهواره تا گور به این امر مهم ترغیب کرده است. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این باره

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹

فرموده‌اند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فِي بَيْضَةِ عَمَلِي كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»^۱ تحصیل علم برای همه‌ی مردان و زنان مسلمان واجب است. این تعبیر اطلاق دارد و مقیّد به رجولیت (مردبودن) نیست و اختصاص از آن فهمیده نمی‌شود. اگرچه طبق برخی نقل‌ها، این روایت فقط با کلمه‌ی مسلم آمده است، اما «مسلم» یعنی مسلمان، چه مرد و چه زن. در این نقل‌ها «مسلم» اسم جنس است و مرد و زن را شامل می‌شود.

هنگامی که بانوان در مسجد گرد هم می‌آیند، بهترین زمان است برای اینکه از مسائل دینی و قرآن بهره‌مند گردند؛ زیرا یکی از اهداف بنای مسجد برگزاری جلسات علمی و بیان احکام و مسائل اسلامی است؛ همان‌گونه که در عصر رسالت مرسوم بوده است. حضرات معصومان (علیهم السلام) در سخنان متعددی مساجد را پایگاه علم و دانش معرفی کرده‌اند. امام علی (علیه السلام) در یکی از سخنان خود بهره‌برداری از علم و دانش را یکی از نتایج و آثار رفتن به مسجد ذکر می‌فرماید:^۲ بعضی فقها رفتن بانوان را به مسجد، جهت فراگیری مسائل اسلامی، واجب دانسته‌اند و گفته‌اند: «اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است (بانوان) به مسجد بروند».^۳

۳- آثار اجتماعی و فرهنگی

مسجد نقشی اساسی در شکل‌گیری اجتماعات مسلمانان دارد. از این جهت، به‌طور طبیعی مسجد می‌تواند کارکرد اجتماعی نیز داشته باشد. حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویاشدن از احوال یکدیگر و سایر مسلمانان فقط بخشی از ظرفیت بزرگ مسجد است. در این مکان‌ها مؤمنان فرصت می‌یابند با جمعی آشنا شوند که از نظر دین و عبودیت با آنان هم‌رنگ هستند و توان ایجاد گروه‌های اجتماعی هماهنگ را دارند. بنابراین، آنان می‌توانند از بین اهل مسجد دوستان دینی بیابند که طبعاً آثار آن در ابعاد اجتماعی بروز پیدا می‌کند؛ زیرا نمازگزاران مؤمن به این پایگاه دینی و فرهنگی رفت‌وآمد می‌کنند^۴ و دوستی با آنان در بینش انسان مؤثر است.

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

۳. آیت ... مکارم شیرازی، رساله‌ی توضیح المسائل، مسئله‌ی ۸۱۷.

۴. حسن بن علی حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۵۸، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه.ق.

طبق این روایت از امام علی (علیه السلام) درمی یابیم تأثیر رفتارهایی که حضور در مسجد ب رجای می گذارد می تواند جوامع دینی را از فساد و گناه پاک کند و مسلمانان را به سمت جامعه ای سالم هدایت کند: «...أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رِدْيٍ أَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشْيَةً أَوْ حَيَاءً»^۱، یا کلماتی می شنود که او را از فساد و گناه باز می دارد یا به خاطر ترس [از خدا] یا حیا و آبرو گناهی را ترک می کند.^۲

رونق گرفتن مسجدها، که نیمی از آن به دست بانوان صورت می گیرد، چیزی نیست که بتوان به آسانی در مورد آن سخن گفت؛ زیرا بازتابی که این امر در مجامع جهانی و برون مرزی دارد بسیار درخور توجه است. به این دلیل، اسلام همان گونه که به زنان دستور عفاف و حجاب می دهد، به آنان دستور شرکت در مجامع عمومی را نیز می دهد. حضور زنان در مساجد بیانگر حضور فعال آنان در اجتماعات اسلامی و مجامع دینی و مذهبی است. آنان با حضور خود در مساجد وحدت و همبستگی را در سطح اجتماع به ارمغان می آورند و از این کانون الهی جهت کسب دانش اجتماعی و فهم فرهنگ ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) بهره می برند.

۴- آثار سیاسی

مسجد همواره در کنار کارکرد اجتماعی و فرهنگی ای که دارد، کانون سیاسی در جامعه ی مذهبی نیز بوده است. این موضوع چه در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و چه در زمان خلفاء، ائمه ی اهل بیت (علیهم السلام) و در دیگر اعصار قابل پیگیری است و نمونه های فراوانی می توان درباره ی آن ذکر کرد. در این دوران، نه تنها آثار سیاسی حضور مردان در مسجد، بلکه آثار سیاسی حضور زنان در مسجد نیز مشهود است؛ چنان که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در مسجد حضور داشتند و از حق ولایت امام علی (علیه السلام) دفاع کردند. همچنین، سخنرانی حضرت زینب (سلام الله علیها) در مسجد از مسلمات تاریخی است. این اثر را در انق لآب اسلامی نیز می توان به خوبی مشاهده کرد.

۱. همان، ج ۳، ص ۴۷۰.

۲. بر این اساس، حضور در مسجد می تواند نقش بازدارنده در ارتکاب جرایم و گناهان نیز داشته باشد.

تربیت سیاسی‌ای که در مسجد ارائه می‌شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن، می‌تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه‌ی جامعه دینی باشد و در برابر حوادث سیاسی هوشیار باشد. از این رو، حضور زنان در کنار مردان، در مسجد، ضروری است؛ زیرا اگر زنان از حضور در این مکان محروم شوند، در واقع این تربیت به‌طور ناقص انجام خواهد شد. بانوان به دلیل تأثیر عمیق‌تر بر فرزندان و نقش تربیتی خود، در صورت داشتن تربیت سیاسی مسجد، بلوغ سیاسی را به‌طور شگفت‌انگیزی افزایش خواهند داد. بنابراین، از صدر اسلام تاکنون مسجد در جایگاه کانون طرح مسائل سیاسی نقش‌ری اساس در تربیت سیاسی مردم، زن و مرد، داشته است. بر این اساس، اگر زنان در این مکان‌ها حضور نیابند، از مسائل سیاسی کشور و جهان اسلام آگاه نمی‌شوند و فرزندان که مردان و زنان آینده‌ی اجتماع‌اند تربیت سیاسی کافی نخواهند داشت و این چنین جامعه‌ای شکست‌پذیر است.

۵- آثار روحی و اخلاقی

کانون مسجد نورانی و الهی است. چنان‌که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز در حدیثی به آن اشاره فرموده است: «ما جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ [و] يَتَدَارَسُونَهُ إِلَّا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ غَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ»، قومی [با یکدیگر] در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن نشینند؛ مگر آن‌که آرامش بر ایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آن‌ها شود و خداوند از آن‌ها در میان کسانی که نزد او هستند یاد می‌کند.

اطمینان و آسایش حاصل از حضور در مسجد توانایی انجام صحیح وظایف و تکالیف شرعی دیگر را نیز در پی خواهد داشت. در این باره یادآوری این نکته نیز ضروری است که به دلیل لطافت‌های روحی و تأثیرپذیری عاطفی شدید بانوان، نیاز به حضور برای کسب آرامش الهی و قلبی در آنان بیشتر احساس می‌شود. از نظر اخلاقی نیز وضع به همین ترتیب است. زنان به دلیل اینکه بیشتر عمر خود را در خانه صرف خانه‌داری و تربیت فرزندان می‌کنند و بارها در مشکلات مختلف در تنگنا قرار می‌گیرند، بیشتر از مردان نیازمند آرامش و محلی برای کسب راحتی روانی هستند البته، در مسجد که اساس آن بر نورانیت،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

عبودیت و ارتباط خالق و مخلوق است، امکان فراهم شدن آن بیشتر است؛ به دلیل اینکه ویژگی‌هایی که در جماعت است در غیر آن نیست.

نتیجه

حضور زنان در جامعه و تلاش و مجاهدت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی از موضوعات و مسائل بنیادین بوده است. از دیدگاه تعالیم مقدس اسلام، زنان همه‌ی حقوق اجتماعی را دارند و هیچ مانع و حصاری نمی‌تواند راه‌های حضور فعال آنان را در جامعه سد کند و این انسان خلاق را که نبی از پیکر جامعه‌ی انسانی است از بهره‌رسانی به اجتماع محروم کند.

آنچه مهم است این است که در عین اینکه اسلام از حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، مانند مسجد و... جلوگیری نکرده است، چارچوب را نیز در نظر گرفته است تا هم برای به‌بارنشستن اهداف اسلام بکوشند و هم حیثیت انسانی آنان دستخوش طمع دشمنان قرار نگیرد و پاکدامنی‌شان نیز حفظ شود. از این رو، زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند؛ بلکه در بعضی موارد شرکت آن‌ها را واجب می‌کند، مانند حج که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق ممانعت از همسر خود ندارد. گفتار قائلان به افضلیت نماز زن در خانه نیز ناظر به اهمیت حجاب و پوشش زن است. اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم بیوشاند یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد. همان‌طور که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دیگر حضرات معصومان (علیهم السلام) زن‌ها با حفظ حجاب و پوشش اسلامی به نماز جماعت در مسجد می‌رفتند.

امام خمینی (رحمه الله علیه) در این باره فرموده است: «اگر (زنان) بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.»^۱ همچنین، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی می‌فرماید: «برای زن‌ها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند؛ ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب

۱. امام خمینی (رحمه الله علیه)، رساله‌ی توضیح المسائل، مسئله‌ی ۸۹۳.

است به مسجد بروند»^۱. حضور زن در مسجد بسیار اهمیت دارد؛ زیرا او مربی و پرورش‌دهنده‌ی نسل بعد است. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در این باره می‌فرماید: «زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله‌ی اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است ... زنان با تربیت صحیح خود انسان درست می‌کنند و با تربیت صحیح خود کشور را آباد می‌کنند»^۲.

بانوان محجبه با حضور در مساجد و اماکن مذهبی، برای انجام عبادات و کسب دانش‌های اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و... می‌توانند در برابر هجمه‌های فرهنگی دشمنان بایستند و در پستی کسب این آگاهی‌ها از کانون مساجد و اماکن مذهبی نقش خانوادگی، پرورشی و تربیتی خود را ایفا کنند و نسلی متفکرو، سیاستمدار، مؤمن، متعبد و تلاشگر به جامعه‌ی انسانی تقدیم کنند. افزون بر فوایدی که درباره‌ی حضور بانوان در مسجد برشمردیم، در این برهه از زمان حفظ نظام جمهوری اسلامی و تحکیم پای‌های اقتدار آن از مهم‌ترین وظایف مسلمانان است که اصولاً جنسیت بردار نیست. یعنی مهم‌ترین وظیفه‌ای است که هر مسلمانی برعهده دارد؛ وظیفه‌ای که براساس قانون تراحم مصالح بر همه‌ی احکام فردی و اجتماعی اولویت دارد. بنابراین، در این راستا چه زنان و چه مردان می‌بایست حضوری فعال داشته باشند و شرایط سیاسی جامعه‌ی اسلامی را همواره با تقویت روح دینداری و عابدانه‌ی خود حفظ کنند.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

۱. آیت‌... مکارم شیرازی، رساله‌ی توضیح المسائل، مسئله‌ی ۸۱۷.

۲. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۱۱۱.